

تأثیر آزاد سازی اقتصادی بر رشد اقتصادی بر مبنای وقفه‌های مالیاتی در ایران

بهزاد شادمرد

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

Behzad.kaya136@gmail.com

محمدرضا ناهیدی امیرخیز (نویسنده مسئول)

گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

nahidi@iaut.ac.ir

چکیده

آزادسازی اقتصادی مجموعه‌ای از اقدامات برای تفویض اختیارات بخش عمومی به بخش خصوصی از طریق حداقل کردن دخالت دولت در بازار و تقویت مکانیسم بازار است. حذف موانع بازارهای مالی، آزادسازی قیمت‌های تحت کنترل، کاهش یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم، گرایش به نظام ارزی شناور، آزادسازی تجارت خارجی و حذف تعرفه‌های تجاری، گسترش سرمایه‌گذاری خارجی و بازار محور شدن نرخ بهره، از جمله اقدامات موثر در فرآیند آزادسازی اقتصادی هستند. شاخص آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج از سال 1995 میلادی به صورت سالیانه و به منظور بررسی عوامل مؤثر بر آزادسازی اقتصادی، برای اغلب کشورهای جهان محاسبه می‌شود. لذا، با توجه به این که آزادسازی اقتصادی تأثیرات عمده‌ای بر درآمدها و رشد اقتصادی دارد، این پژوهش به بررسی تأثیر آزاد سازی اقتصادی بر رشد اقتصادی بر مبنای وقفه‌های مالیاتی در ایران در دوره ی زمانی ۱۳۹۳-۱۳۶۰ پرداخته است. برای رسیدن به این هدف، این پژوهش از مدل اقتصاد سنجی خودرگرسیون برداری (var) و از روش جوهانسون-جوسیلیوس برای بررسی هم‌انباشتگی استفاده کرده است. نتایج حاصل شده، نشان می‌دهد که فرآیند آزادسازی اقتصادی تأثیر معنی‌داری بر شاخص رشد اقتصادی در ایران داشته است.

کلید واژگان : شاخص رشد اقتصادی، آزاد سازی اقتصادی، وقفه‌های مالیاتی

۱- مقدمه

امروزه برنامه ریزان و تصمیم سازان ارکان مختلف کشور در پی ارزیابی سریع و دقیق تصمیم‌ها و سیاست‌های خود هستند. این سرعت و دقت تا جایی اهمیت دارد که بتوان زمان لازم برای اجرای تغییرات و تعدیل‌های احتمالی الگوها و برنامه ریزی‌ها فراهم آورده و از هدر رفتن منابع و فرصت‌ها جلوگیری نمایند. بهبود زندگی مردم و افزایش سطح رفاه عمومی از اهداف دولتهای مختلف جهان بوده و در رسیدن به این اهداف، جهانی شدن اقتصاد و رشد اقتصادی دولت نقش عمده‌ای را ایفا میکند. بنابراین پی بردن به عواملی که با افزایش سطح رفاه عمومی و پیشرفت اقتصادی کشورشود حائز اهمیت است. شاخص آزادسازی اقتصادی از سال 1995 میلادی به صورت سالیانه به منظور بررسی عوامل مؤثر بر آزادسازی اقتصادی برای اغلب کشورهای جهان محاسبه شد. آزادسازی اقتصادی شامل مجموعه اقداماتی به منظور برداشتن کنترل‌های دولتی از بازارهای مالی، کالاها و خدمات و کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار است. عمده این اقدامات عبارتند از: برداشتن کنترل از بازارهای مالی، رهاسازی قیمت‌های تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای بازار، حذف یارانه و تعدیل قیمت‌های یارانه‌ای، گرایش به نظام ارزی شناور مستقل یا شناور نظارت شده، تغییر رسمی ارزش پول، آزاد شدن تجارت خارجی و برداشتن انواع تعرفه‌های تجاری و محدودیتهای مقداری، استفاده از مشارکت سرمایه گذاران و استقرار خارجی و آزاد شدن نرخ سپرده‌های بانکی. بخش‌های مختلف مقاله پیش‌رو، بدین شرح ساماندهی شده است. در بخش دوم به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش پرداخته شده است. سپس در بخش سوم، ویژگی‌ها و چارچوب مدل نظری مورد استفاده بیان شده است. پس از استخراج معادلات الگو، در بخش چهارم با تعیین مقادیر ورودی مدل و ارزیابی اعتبار آن، رابطه متغیرهای مورد نظر بررسی شده است. در نهایت، نتایج و پیشنهادات سیاستی در بخش پنجم ارائه شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تعریف رشد اقتصادی

به تغییر کمی هر متغیر طی یک دوره معین زمانی، رشد گفته می‌شود (متوسلی، ۱۳۸۲). رشد اقتصادی، افزایش بلند مدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کل جهت تأمین نیازهای جمعیت است. (فرجادی، ۱۳۷۸) در واقع رشد اقتصادی هر کشور، بیان‌گر رشد مداوم تولید است؛ که در اغلب موارد، با افزایش جمعیت و یا معمولاً با تغییرات زیربنایی همراه است. (قره باغیان، ۱۳۷۲)

رشد اقتصادی به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید یک کشور در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد بحث به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود. علت این که برای محاسبه رشد اقتصادی، از قیمت‌های سال پایه استفاده می‌شود آن است که افزایش محاسبه شده در تولید ناخالص ملی، ناشی از افزایش میزان تولیدات باشد و تأثیر افزایش قیمت‌ها (تورم) حذف گردد.

عوامل رشد اقتصادی عبارتند از:

روند رشد اقتصادی به کمک دو نوع عامل مشخص می‌شود:

۱- عوامل اقتصادی؛ عوامل اقتصادی رشد عبارتند از:

منابع طبیعی؛ وجود منابع طبیعی فراوان، امری ضروری است. البته برای رشد اقتصادی باید در کنار منابع سرشار، استفاده مطلوب و صحیح از این منابع نیز مد نظر قرار گیرد؛ تا میزان اتلاف منابع به حداقل رسیده و دوره استفاده از منابع، طولانی‌شود. تمرکز سرمایه؛ سرمایه، به معنی ذخیره عوامل فیزیکی قابل تولید مجدد در روند تولید است. تمرکز سرمایه، یک عامل کلیدی در روند رشد اقتصادی است. از یک سو، تمرکز سرمایه بر تقاضا اثر می‌گذارد و از سوی دیگر، برای تولید آتی، کارآیی تولید ایجاد

خواهد کرد. به همین دلیل، تمرکز سرمایه و شتابان کردن روند آن برای افزایش تولید ملی، به نحوی که بتواند با افزایش جمعیت مقابله کند، لازم است.

پیشرفت‌های تکنولوژیک؛ تغییرات تکنولوژیک در پیوند با تحول روش‌های تولید و منبعث از نوآوری و استفاده از روش‌های نوین در تولید است. تغییرات تکنولوژی سبب افزایش بهره‌وری کار، بازدهی سرمایه و سایر عوامل تولید می‌شود.

سازمان تولید؛ سازمان‌دهی تولید، نقش مهمی در جریان رشد اقتصادی دارد. سازمان‌دهی تولید به معنی حداکثر استفاده از عوامل تولید در فعالیت‌های اقتصادی است؛ که به کمک عوامل تولید (سرمایه و کار)، می‌آید و بازدهی آن‌ها را افزایش می‌دهد.

تقسیم کار و مقیاس تولید؛ تخصیص و تقسیم کار، سبب افزایش بازدهی نیروی کار می‌شود. این مسئله، سبب تولید در مقیاس زیاد شده و به توسعه صنعتی کشور می‌انجامد.

تغییرات زیربنایی؛ تغییرات زیربنایی نمایان‌گر انتقال از جامعه سنتی کشاورزی به بخش مدرن صنعت است؛ که شامل انتقال رو به رشد از نهادهای اجتماعی موجود، طرز تفکر اجتماعی موجود و ایجاد انگیزه است. چنین تغییراتی سبب افزایش فرصت‌های اشتغال، بازدهی زیاد نیروی کار، افزایش تمرکز سرمایه، استفاده بیشتر از منابع طبیعی جدید و بالأخره بهبود در نحوه تولید می‌شود.

۲- عوامل غیر اقتصادی رشد؛ این عوامل عبارتند از:

عوامل اجتماعی؛ شیوه تفکر اجتماعی، ارزش‌ها، نهاد، عرف و فرهنگ بر رشد اقتصادی بی‌تأثیر نیستند.

عامل انسانی؛ نیروی انسانی، یک عامل مهم در رشد اقتصادی مدرن است. البته رشد اقتصادی تنها بستگی به اندازه‌ها و میزان نیروهای انسانی ندارد؛ بلکه به کارآیی آن نیز بستگی دارد.

عوامل سیاسی و تشکیلاتی؛ عوامل سیاسی و تشکیلاتی نیز نقش مهمی در رشد نوین اقتصادی دارند. رشد اقتصادی بریتانیا، آلمان غربی، آمریکا، ژاپن، فرانسه و هلند، تا حدی به دلیل ثبات سیاسی، بوروکراسی و تشکیلات اداری قوی این کشورها از قرن نوزدهم به بعد است. (آغمیونی، ۱۳۸۲)

روش‌های محاسبه تولید ناخالص داخلی^۱

به طور کلی سه روش برای محاسبه تولید ناخالص داخلی وجود دارد: روش ارزش افزوده، روش تولید یا هزینه و روش درآمدی که مختصراً به توضیح هر یک از آنها خواهیم پرداخت.

۱- روش ارزش افزوده: تفاضل ارزش ستانده و مصرف واسطه همان ارزش جدید ایجاد شده یا ارزش افزوده است. در این شیوه محاسبه، ابتدا کلیه فعالیت‌های اقتصادی را به بخش‌های متفاوت تقسیم‌بندی می‌کنیم سپس ارزش‌های اقتصادی را که هر بخش ایجاد کرده است، محاسبه می‌کنیم. از آنجا که طبق تعریف مبنای محاسبه، ارزش‌های اقتصادی ایجاد شده هر بخش در سال جاری توسط عوامل تولیدی مربوط به آن بخش است، ارزش کالاهای واسطه‌ای و نیمه‌ساخته مربوط به سال یا سال‌های قبل و نیز تمام هزینه‌های واسطه‌ای (مشارکت بخش‌های دیگر) را از آن کسر می‌کنیم. در واقع ارزش افزوده هر بخش متناظر با حقوق و دستمزد، اجاره، بهره و سود عوامل تولید آن بخش است، زیرا ارزش‌های تولید شده در این بخش از طریق یکی از این چهار مجرا به عوامل تولید آن بخش تعلق می‌گیرد. بنابراین جمع ارزش افزوده اقتصاد در یک دوره معین معادل درآمد عوامل تولید در آن دوره است که برابر با تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل است و چنانچه کل خالص مالیات‌های غیرمستقیم را با این مقدار جمع کنیم، تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار به دست می‌آید (قیمت عوامل، ارزشی است که عوامل تولید خود آن کالا ایجاد کرده‌اند و قیمت بازار قیمتی است که در بازار مبادله انجام می‌شود). در حساب‌های ملی ایران روش جمع ارزش افزوده‌ها به عنوان روش اصلی محاسبه تولید ناخالص داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- روش مخارج یا تولید: با محاسبه مخارج انجام شده در اقتصاد به عنوان تقاضای کل ایجاد شده به رقم GDP دست

^۱ : اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌ها، شاکری، عباس، جلد اول.

می‌یابیم. در این روش بر اساس یک معیار منطقی عوامل موثر بر تقاضا و در نتیجه مخارج کل را شناسایی و طبقه‌بندی می‌کنیم و به یک رابطه مشهور می‌رسیم GDP: برابر است با حاصل جمع مصرف، سرمایه‌گذاری، مخارج دولت و نیز خالص ارزش صادرات (صادرات منهای واردات). باید توجه کرد که تولید ناخالص داخلی به دست آمده از روش هزینه نهایی به قیمت بازار بوده و به اندازه خالص مالیات‌های غیرمستقیم با تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه، که از روش تولید به دست می‌آید، متفاوت است.

۳- روش مصارف درآمد: این روش در واقع بیان دیگری از رابطه پیشین در روش دوم است، بدین معنی که در روش قبل مخارج صورت گرفته در اقتصاد را معادل ارزش تولید ناخالص داخلی در نظر می‌گرفتیم، در حالی که در این روش بررسی می‌کنیم که معادل ارزش درآمد ناخالص داخلی صرف چه اموری شده است. پاسخ: صرف مصرف، پس‌انداز یا مالیات پرداختی به دولت شده که معادل تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار است.

هدف‌های الگوهای رشد اقتصادی (کفشگر، ۱۳۹۳) کمک به تفکر؛ نظریه‌های اقتصادی بیشتر نوعی روش به‌شمار می‌رود؛ تا یک دکترین. این نظریه‌های اقتصادی یک نوع ابزار فکری و فن اندیشیدن است که به انسان کمک می‌کند تا بتواند به نتیجه‌گیری‌های صحیح رهنمون شود.

راهنمای خط و مشی؛ بعضی از الگوها به این خاطر طرح‌ریزی شدند؛ تا به‌طور اخص به مسائل ویژه‌ای از سیاست اقتصادی بپردازند. به‌رغم بدبینی‌ها نسبت به سودمندی الگوی رشد، می‌توان ادعا کرد که انضباط فکری به‌کار گرفته شده در جریان تدوین الگوهای رشد در سیاست‌های اقتصادی تأثیراتی گرچه غیر مستقیم اما با اهمیت به‌جا گذاشته است.

چارچوبی برای تخمین و پیش‌بینی؛ این الگوها، می‌توانند ابزاری فراهم کنند تا از طریق آن، امکان تخمین منابع رشد اقتصادی جامعه فراهم آید و رشد اقتصادی آینده نیز پیش‌بینی شود. بسیاری از الگوهای رشد، دربرگیرنده منطقی است که ما را در پیش‌بینی‌های مربوط به دوره‌های میان‌مدت و بلندمدت رشد اقتصادی یاری می‌رسانند.

جداکردن امکانات پیش‌بینی‌نشده؛ ساده‌ترین الگوی رشد اقتصادی هم قادر به آشکار کردن امکاناتی است که بدون به‌کار بردن یک الگوی نظری نمی‌توان به آنها دست یافت. همچنین بسیاری از الگوها، نتایجی را به‌بار می‌آورند که در وهله اول، به‌شدت متناقض به‌نظر می‌رسد. اما همین مدون بودن الگوها دقیقاً ما را در کشف ریشه‌های متناقض یاری می‌رساند.

مروری بر الگوهای رشد اقتصادی

از نظر تاریخی، شروع نظریه‌های جدید رشد، مقاله رمزی^۱ در سال ۱۹۲۸ است که بعضی از مباحث ادوار تجاری و نظریه رشد با موضوع بهینه‌سازی توسط وی و فیشر مورد توجه قرار گرفت. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مدل‌هایی گسترش یافتند که اکنون از آنها با عنوان مدل‌های رشد نئوکلاسیکی یاد می‌شود. بر اساس این مدل‌ها، افزایش سرمایه‌گذاری، بهترین راه افزایش سطح تولید بوده و مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده تفاوت بین سطوح درآمدی در این کشورها، عامل سرمایه است. لذا انباشت بیشتر و سریع‌تر سرمایه می‌تواند نرخ رشد اقتصادی بالایی را پدید آورد. به همین دلیل اقتصاددانان توصیه نمودند که به منظور کسب رشد اقتصادی مطلوب و بالا، کشورها باید سیاست‌های اقتصادی خود را جهت افزایش موجودی سرمایه فیزیکی تنظیم نمایند. سولو و سوان^۲ (۱۹۵۶)، کاس و کوپمنز^۳ (۱۹۶۵) از جمله اقتصاددانانی هستند که رشد اقتصادی را برحسب رشد جمعیت، تغییرات فنی و عوامل کار و سرمایه تبیین کردند.

مدل‌های رشد اقتصادی از مدل ساده رشد هارود - دومار گرفته تا مدل‌های رشد درون‌زا همگی سعی می‌کنند واقعیات رشد اقتصادی جوامع مختلف را به‌خوبی توضیح دهند. مدل‌های رشد اقتصادی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: مدل‌های رشد نئوکلاسیک و مدل‌های رشد درون‌زا.

^۱-Ramsey

^۲-Neo-Classical Growth Model

^۳-Solow, R. & Sown, T. W.(1956)

^۴-Cass & Koopmans. (1965)

مدل های رشد نئوکلاسیکی که تا سال های پایانی دهه ۱۹۸۰ بر ادبیات رشد سیطره داشتند، بیشتر بر نقش انباشت سرمایه و تغییرات تکنولوژیک بر رشد تأکید داشته اند. در الگوهای رشد درونزا اعتقاد بر این است که سازوکارهای درونی یک اقتصاد که شرایط مناسبی شامل آموزش، پژوهش و توسعه و در بیان کلی، زیرساخت های مناسب اجتماعی را برای رشد تکنولوژی فراهم می آورند، در رشد اقتصادی نقش مؤثری دارند. به یقین، هدف ارائه کنندگان الگوهای رشد درونزا عدم توجه به عامل سرمایه نبوده، بلکه آنها در یک تحلیل عمیق تر به عوامل ایجادکننده تکنولوژی و سازوکار رشد آن به عنوان منبع اصلی رشد اقتصادی تأکید دارند. به بیان دیگر، در الگوهای رشد درونزا علاوه بر عوامل سنتی مؤثر بر رشد (کار و سرمایه)، به طیفی از رویکردها و الزامات سیاسی - اجتماعی دیگر نظیر توسعه انسانی، ایجاد نظام تأمین اجتماعی، پژوهش و توسعه، شرایط مطلوب سیاسی تأکید می شود.

ایراد اساسی الگوهای رشد نئوکلاسیکی آن است که از توضیح اساسی واقعیت های عوامل مؤثر بر رشد ناتوان است. این ناتوانی تا حد زیادی به پیش بینی الگو باز می گردد که به موجب آن تولید سرانه به سمت مسیر یکنواختی میل کرده و در امتداد آن با نرخ برونزای اقتصادی رشد می کند. در نتیجه براساس این الگو، نرخ رشد یکسانی برای همه اقتصادها نتیجه می شود و الگو توان توضیح علت متفاوت بودن نرخ های رشد بلندمدت بین کشورهای مختلف را ندارد.

در پاسخ به کاستی های الگوی رشد نئوکلاسیک، لوکاس، رومر، بارو و پژوهشگران دیگر الگوهایی را طراحی کرده اند که در آنها رشد یکنواخت بهطور درونزا از متغیرهای اثرگذار تأثیر می پذیرفت. رشد اقتصادی بر اساس مجموعه ای از ساز و کارهای درونی اقتصاد مانند سطح سرمایه انسانی، بهبود و ارتقای بهره وری، سطح تحقیق و توسعه در فرایندهای تولیدی و اقتصادی و کیفیت و نوع هزینه های دولت اتفاق می افتد. ویژگی کلیدی مدل های رشد درونزا، نبود بازدهی های نزولی نسبت به نهاده هایی است که می توانند انباشت شوند. این ویژگی باعث می شود که رشد به طور نامحدود به جلو حرکت کند.

ارو (۱۹۶۲) و ششنسکی (۱۹۶۷) الگوهایی را معرفی کردند که در آن اندیشه ها به واسطه یادگیری از طریق انجام کار^۱ توضیح داده شده است. در این الگوها، کشف و اختراع هر فرد به سرعت گسترش می یابد و در عرصه های عملی اقتصاد به کار گرفته می شود. با توجه به غیررقابتی بودن عامل دانش، فناوری های جدید در دسترس آحاد مردم قرار می گیرد. رومر (۱۹۸۶) استدلال کرد که ساختار رقابتی دانش در تعیین تعادل فناوری های پیشرفته می تواند وجود داشته باشد. اما الزام تعادل موجود با توجه به نرخ رشد در شرایط بهینه پرتو قرار ندارد.

کسب مهارت و تخصص ناشی از سرمایه گذاری و انتقال سرمایه در الگوهای رشد درونزا در قالب اثرات بیرونی و سرریز را رومر (۱۹۸۶) مطرح کرد. لوکاس (۱۹۸۸) با بیان اثرات بیرونی ناشی از سرمایه گذاری و انباشت سرمایه انسانی منافع ناشی از درونزا کردن پیشرفت فنی و روند فناوری توسط انباشت سرمایه انسانی را مورد تأکید قرار داد. از نظر وی ویژگی الگوهای رشد درونزا این است که بدون دخالت پیشرفت فنی برونزا، منافع رشد را به صورت نامرئی ایجاد می نمایند.

اگر در نتیجه تحقیق و توسعه، فناوری جدیدی ایجاد و اختراعات یک بنگاه به بنگاه های دیگر اقتصادی گسترش یابد، نظریه رشد نئوکلاسیکی آثار ناشی از سرریز و رشد دانش را توضیح نمی دهد. این نقص موجب طرح نظریه جدید شد که بعدها رومر (۱۹۹۰-۱۹۸۷)، آقیون و هویت (۱۹۹۲)، گراسمن و هلیمن (۱۹۹۱) به تشریح آن پرداختند. در این الگوها فناوری های پیشرفته نتیجه فعالیت در نهادهای تحقیق و توسعه است. اگر فعالیت در تحقیق و توسعه به خلق ایده های جدید منجر نشود، نرخ رشد اقتصادی در بلند مدت ثابت می ماند.

در نظریه های بارو و سالای مارتین (۱۹۹۵)، بازده نزولی تولید نسبت به عوامل تولید نقض می شود و بازده تولید نسبت به به کارگیری نهادهای جدید در نتیجه فعالیت های تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی و الگوهای گسترش فناوری افزایش می شود. رانیز، استوارد و رامیز (۲۰۰۰) تأکید داشتند که برای دستیابی به رشد اقتصادی باید سرمایه گذاری های دولتی در سرمایه انسانی و توسعه انسانی صورت گیرد.

^۱ learning by doing

عاصم اوغلو، جانسون و رابینسون (۲۰۰۱)، رودیک، سوبرمانیانو تری، ایسترلی و لوین (۲۰۰۲) اشاره داشتند که با کنترل و هدایت سرمایه‌گذاری در آموزش و ارتقای سطح کفایت نیروی انسانی و پیشرفت و بهبود فناوری، موقعیت جغرافیایی اثر مستقیمی بر توسعه اقتصادی نخواهد داشت.

در تحلیل این مباحث، تجربه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که تبیین رشد اقتصادی، تنها از طریق سرمایه‌فیزیکی و جمعیت‌شاغل ناکافی است و عامل دیگری به جز سرمایه‌فیزیکی و عامل کار وجود دارد که رشد اقتصادی این جوامع را تشدید کرده است. این عوامل که به عامل ناشناخته و پسماند معروفند، علت اساسی را افزایش بهره‌وری سرمایه و نیروی انسانی برمی‌شمردند. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که عامل مازاد یا باقی مانده که توضیح دهنده بخش مهمی از رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته به حساب می‌آید، به طور مستقیم به آموزش، تجربه، مشارکت و انگیزه بستگی دارد. زیرا هراندازه نیروی کار از سطح آموزش بیشتری بهره‌مند شود و هرچه این آموزش مفیدتر و متناسب‌تر با فرایند تولید باشد، بهبود در کیفیت نیروی کار در افزایش مقدار تولید، تاثیر بیشتری خواهد داشت. سرمایه انسانی، اهمیت فراوانی در رشد اقتصادی دارد. اما بنا به نوع توصیف این متغیر و اندازه‌گیری آن، پژوهشگران نتایج متفاوتی از اهمیت آن به دست آورده‌اند.

در پژوهش‌های مربوط به نقش آموزش در رشد اقتصادی، ساخاروپولوس پیدایش نظریه سرمایه انسانی را به سولو نسبت داد. سولو با اندازه‌گیری سهم آموزش در رشد و بررسی علل واقعی تغییر بهره‌وری از آموزش به عنوان متغیری مهم در تابع تولید استفاده کرد. در دوره چهار ساله مورد بررسی سولو تقریباً ۹۰٪ از افزایش تولید سرانه با عواملی غیر از سرمایه‌فیزیکی و نیروی کار تعیین شده بود که او این عوامل را تغییرات فناوری نامید و پس از آن، اقتصاددانان سعی می‌کردند با افزایش متغیرهای دیگر آنچه را که در تغییرات فناوری مستتر بود، توضیح دهند. شولتز، هاربرگر و شنسکی، میزان سرمایه اختصاص یافته به آموزش را متغیر نماینده سرمایه انسانی یا کیفیت نیروی کار در نظر گرفته و آن را در تابع تولید گنجانده‌اند. شولتز، با جمع بستن هزینه‌های مصرف شده برای آموزش در گذشته و تعدیل آن نسبت به عواملی نظیر طول سالهای تحصیل نشان داد که ۲۰ تا ۴۰ درصد رشد درآمد ملی آمریکا بین سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۵۶ نتیجه سرمایه‌گذاری در آموزش بوده است.

از شاخص‌ترین مطالعاتی که متغیرهای غیرقراردادی را به نحوی در توابع تولید گنجانده‌اند تا بتواند شاخصی از آموزش را نیز در آن وارد و سهم آن را در رشد اندازه‌گیری کنند، می‌توان به مطالعه والترز و رابینسون (۱۹۸۳) اشاره کرد. آنها تابع تولیدی از نوع کاب-داگلاس تشکیل دادند که فقط سه متغیر سرمایه، نیروی کار و آموزش را دربرمی‌گرفت، ولی با این تفاوت که ایشان از چندین شاخص استفاده کردند که عبارت بود از مقدار مدارک اخذشده به عنوان معیاری از توسعه سطوح آموزشی بالاتر از متوسط و مخارج آموزشی. نتایج نشان داد که گسترش آموزش تاثیر مهمی بر تولید داشته، اما در مقایسه با مطالعات پیشین، مقدار آن کمتر بوده و در عین حال، سطوح تحصیلی عالی با وقفه زمانی اثر مثبت در تولید داشته است.

آزادی اقتصادی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی

محیطی که با سرعت بخشیدن به کسب و کار و جذب سرمایه‌گذاری، زمینه تحریک رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد، محیط نهادی امن و آزاد برای بنگاه‌های تولیدی شمرده می‌شود و ایجاد آن برای بهبود محیط کسب و کار الزامی است؛ زیرا آزادی فعالیت اقتصادی و امنیت کسب و کار در ایجاد ساختار انگیزشی مناسب برای ارتقاء عملکرد اقتصادی بنگاه‌های تولیدی حائز اهمیت است.

آزادی اقتصادی، تأثیرات شگرفی روی رشد اقتصادی و درآمد سرانه کشورها دارد، به طوری که میتوان ادعا کرد راز پیشرفت‌های عظیمی که در جهان در دو قرن اخیر شاهد آن بوده، آزادی اقتصادی و اجزای مرتبط به آن مانند آزادی تجارت است. آنیسامادان چهار دلیل برای آن که آزادی اقتصادی بالا منجر به رشد بیشتر می‌شود، ذکر می‌کند: نخست این است که وجود امنیت برای حقوق مالکیت و هم‌چنین پایین بودن مالیات‌ها سبب می‌شود افراد به کارهایی اقدام نمایند که کارا تر باشد؛ از این رو افزایش کارایی، خود منجر به رشد بیشتر خواهد شد. دوم اینکه آزادی بیشتر در مبادلات موجب توسعه فنون و افزایش تخصصی شدن و بازده اقتصادی می‌گردد؛ از این رو، توسعه فنون و بازده اقتصادی منجر به افزایش رشد خواهد شد. سوم این که آزادی

¹-Acemoglu, D., S.Johnson and J. Robinson. (2002)

²-Robinson. (1983)

ورود و رقابت در بازارها منجر به افزایش کارایی و سود بیشتر می گردد و منابع به سوی فعالیت هایی که بیشترین عملکرد را دارند، هدایت می گردد؛ و چهارم، هنگامی که آزادی اقتصادی وجود دارد تشکیلات تجاری و نیز اقتصاد، به کشف های جدید در مدیریت اقتصادی و بهبود تکنولوژی و شیوه های بهتر تولید تشویق می گردد؛ لذا فرصت های که قبلا مورد چشم پوشی واقع می شدند، به منابع اصلی برای رشد اقتصادی تبدیل می شوند. لذا از لحاظ نظری، انتظار می رود آزادی اقتصادی بیشتر منجر به رشد اقتصادی بیشتر گردد، به عبارت دیگر، انتظار می رود آزادی اقتصادی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد.

-آزادسازی اقتصادی

تعریف آزادسازی اقتصادی

آزادی اقتصادی عبارت از حالتی است که هیچ تحمیلی برای رتبه بندی نیازها و تخصیص وسایل تولید به واحدهای اقتصادی وجود نداشته باشد. از نظر فریدمن آزادی، مفهوم گسترده است و آزادی اقتصادی نیز خیلی از آن کوچکتر نیست. جی وارتنی (۲۰۰۳) می گوید افراد دارای آزادی اقتصادی هستند اگر دارایی آنها بدون استفاده از زور، تجاوز و کلاهبرداری بدست آمده باشد، از تجاوز فیزیکی به وسیله دیگران در امان بماند و نیز آنها در استفاده، مبادله و واگذاری دارایی خود به دیگران آزاد باشند؛ تا زمانی که به حقوق شخصی دیگران تجاوز نکنند.

آزادی اقتصادی یکی از مصادیق آزادی است که خود، هدف است و افراد و واحدها در تلاشند که به آن دست پیدا کنند. پس از جنگ جهانی دوم، شک و شبهه های زیادی درباره آزادی اقتصادی و منافع ناشی از عملکرد آن به وجود آمد؛ اما پس از شکست سیستم های برنامه ریزی متمرکز و تجارب ملت ها در این زمینه مسلم شد که آزادی برای نظام اقتصادی نه تنها ضرر ندارد، بلکه منافع زیادی هم در بردارد و می تواند راهکارهای مناسبی را برای تصمیم گیری سیاست گذاران اقتصادی کشورهای مختلف باز نماید. از این رو اندازه گیری اینکه یک کشور چقدر از نظر اقتصادی آزاد به شمار می رود برای اقتصاددانان مورد توجه قرار گرفت. در پی مطالعات زیادی که دانشمندان چون فریدمن، مایکل والکر، اسلوتج و اسکالی انجام دادند و هم چنان توسط دیگران مانند جی وارتنی، دی هان و جانسون پیگیری می شود؛ دوشاخص توسط مؤسسه فریزر و بنیاد هریتیج برای درجه بندی آزادی اقتصادی تعریف شد. این شاخص ها زمینه های مشابهی را در بر می گیرند، هر چند از نظر روش محاسبه و دامنه های عددنهایی متفاوتند. شاخص مؤسسه فریزر حاصل میانگین وزنی پنج ناحیه محاسبه شده از بیست و یک زیر شاخص و دارای دامنه ای میان صفر و ده می باشد که هر چه عدد نهایی به ده نزدیکتر باشد نشانه آزادی بیشتر و به صفر نزدیکتر باشد برعکس است. شاخص بنیاد هریتیج حاصل میانگین ساده ای ده زیر شاخص محاسبه شده از سی و چهار شاخص و دارای دامنه ای میان صفر و صد است که بزرگتر بودن عددنهایی دال بر آزادتر بودن آن کشور می باشد. (صمیمی، ۱۳۸۸)

زمینه های محاسباتی از نظر دی هان (۲۰۰۰) بازرگانی بین المللی، سرمایه در جریان بین المللی، بازار سیاه، وضعیت مالیات ها، میزان دخالت دولت در اقتصاد، سیاست های پولی و تورم، قوانین ناظر بر بانکداری، سیاست کنترل قیمت ها و تنظیم بازار و حقوق مالکیت در هر دو شاخص می باشند.

با وجود یکسان بودن زمینه ها، تفاوت در روش محاسباتی موجب شده است در تحقیق حاضر از شاخص بنیاد هریتیج استفاده شود. این که یک شاخص به تمام زمینه های محاسباتی اش وزن یکسان بدهد برای آن یک امتیاز محسوب می شود. ناحیه های زیر شاخص های هریتیج عبارتند: از آزادی تجارت، آزادی بازرگانی، آزادی مالی (مالیاتی)، حضور و دخالت دولت در اقتصاد، ثبات پولی، آزادی سرمایه گذاری، آزادی مالی (بانکی)، حقوق مالکیت، آزادی از فساد و آزادی نیروی کار.

این نواحی، خود از داده های محاسبه شده ی کشورها، نظیر دوره های زمانی لازم برای راه اندازی تجارت، موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای بازرگانی، نرخ های مختلف مالیاتی، قوانین ناظر بر فعالیت بانکی، محدودیت های سرمایه گذاری، کنترل های پولی، میزان گارانتی دولت از حفظ مالکیت های خصوصی و عوامل دیگری که در بخش روش شناسی محاسبات بنیاد هریتیج ارائه شده است؛ محاسبه شده و حاصل میانگین ساده ای این ده ناحیه عدد نهایی شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج است.

¹- gi-varteni

²-Di.han(2000)

آزادی اقتصادی یکی از اصول مهم در ارزیابی توسعه‌یافتگی اقتصاد کشورهاست. آدام اسمیت، پدر علم اقتصاد معتقد بود بازارهای آزاد، با حفاظت از حقوق مالکیت خصوصی و حضور حداقلی دولت، منجر به توسعه و رشد اقتصادی و در نهایت توسعه‌یافتگی کشورها خواهند شد. این تفکر اسمیت، هنوز هم بر اقتصاد جهان حاکم است و حرکت به سمت آزادتر کردن اقتصاد، گامی به سمت توسعه محسوب می‌گردد (اکبرپور-اسدی، ۱۳۹۴).

علم اقتصاد برای تحلیل و تفسیر وضعیت اقتصادی کشورها، موسسات و شرکت‌ها از روش‌های گوناگونی بهره برده است. گذشته از روش‌های متعارف تحلیل اقتصادی، تلاش‌های نسبتاً جدید به سمت آرایه روش‌هایی است که جنبه کاربردی آن بیشتر بوده است. کمی کردن متغیرها و تبدیل مجموعه داده‌ها به شاخص‌ها از این نمونه روش‌هاست.

در این میان موسسات رتبه‌گذار در فرآیند فعالیت خود سعی کرده‌اند اوضاع اقتصادی، اجتماعی و موضوعات مورد نظر خود را با استفاده از حجم وسیعی از اطلاعات کمی و کیفی در قالب شاخص‌هایی آرایه دهند و براین اساس اقدام به رتبه‌بندی شرکت‌ها و موسسات و کشورها نمایند.

در این خصوص و متناسب با موضوعات مختلف موسسات رتبه‌گذار متعددی ایجاد شده که هر یک روش‌هایی را برای کار برگزیده‌اند.

عمده این موسسات در کشورهای توسعه یافته ایجاد شده و طیف وسیعی از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و بعضاً سیاسی را مطالعه می‌نمایند و نتایج را به صورت طبقه‌بندی شده آرایه می‌کنند. شاخص‌هایی همچون آزادی اقتصادی، ریسک اقتصادی، رقابت‌پذیری، درجه آزادی بازار، بی‌ثباتی اقتصادی و... از این جمله‌اند.

از معتبرترین موسسات بین‌المللی رتبه‌گذار که هر ساله کشورها را بر اساس شاخص‌های تعریف شده خود رتبه‌بندی می‌کنند می‌توان به موسسه هریتیج، فریزر، فیچ و اکونومیست اشاره کرد.

-روش محاسبه شاخص آزادی اقتصاد

برای محاسبه آزادی اقتصاد هر کشوری، بنیاد هریتیج ده متغیر را بررسی و اندازه‌گیری می‌کند. در ادامه مقاله هر یک از این متغیرها به تفصیل تشریح می‌شوند. اطلاعاتی که در آمارهای سال ۲۰۱۰ مورد استفاده قرار گرفته، مربوط به نیمه دوم سال ۲۰۰۸ تا نیمه اول ۲۰۰۹ است. لازم به توضیح است که در برخی شاخص‌ها داده‌های مربوط به سه سال گذشته نیز استفاده شده است. برای هر کدام از این متغیرها، امتیازی بین صفر تا صد در نظر گرفته شده و میانگین امتیازهای کسب شده در این ده متغیر تعیین‌کننده امتیاز نهایی شاخص آزادی اقتصادی برای یک کشور خواهد بود. بر اساس امتیاز نهایی به دست آمده، وضعیت اقتصادی کشورها به پنج طبقه می‌شود. در ادامه ده متغیر تشکیل‌دهنده شاخص آزادی اقتصادی معرفی شده و وضعیت ایران در هر یک از این متغیرها بررسی می‌شود. لازم به یادآوری است رتبه هر کشور در متغیرهای ده گانه از ۱۰۰، امتیاز داده شده است. یعنی هرچه وضعیت کشوری در هر یک از این متغیرها بهتر باشد به عدد ۱۰۰ نزدیک شده و چنان‌چه وضعیت نامطلوبی داشته باشد به صفر نزدیک می‌شود.

شاخص‌های آزادی اقتصادی

آزادی کسب و کار^۱

آزادی کسب و کار متغیری است متشکل از ده عامل مرتبط با نحوه کسب و کار در یک کشور. این عوامل عبارتند از ۱- تعداد مراحل بوروکراتیک در شروع یک فعالیت اقتصادی (همچون تاسیس یک شرکت). ۲- تعداد روزی که برای شروع یک فعالیت اقتصادی (برای مثال ثبت یک شرکت) صرف می‌شود. ۳- هزینه شروع یک فعالیت اقتصادی. (هزینه‌های اداری) ۴- تعداد فرآیندهای دریافت یک مجوز برای شروع فعالیت اقتصادی. ۵- تعداد روزی که دریافت مجوز نیاز دارد. ۶- تعداد مراحل

^۱-Business Freedom

بوروکراتیک دریافت مجوز. ۷- هزینه دریافت مجوز. ۸- زمانی که برای انحلال فعالیت اقتصادی صرف می‌شود. ۹- هزینه انحلال فعالیت اقتصادی و ۱۰- نرخ بازگشت سرمایه هنگام انحلال یک فعالیت اقتصادی.

آزادی تجارت

این متغیر مربوط است به میزان تعرفه‌هایی که بر واردات کالاهای خارجی اعمال می‌شود. برای محاسبه این متغیر میزان محدودیت تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای مد نظر است.

آزادی مالیاتی^۱

این شاخص بر موضوع مالیات تمرکز دارد. مالیات ابراری است که دولت برای تامین مخارج خود از آن استفاده می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی افراد و شرکت‌ها از آن متأثر می‌شوند.

مخارج دولت^۲

میزان مخارج دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی در بسیاری از مطالعات اقتصادی به عنوان یک متغیر واسطه‌ای و معیاری برای سنجش اندازه دولت استفاده می‌شود و زیاد بودن مخارج دولت نسبت به درآمد ملی نشان دهنده بزرگ تر بودن اندازه دولت است.

آزادی پولی^۳

دو آفت برای بازارهای اقتصادی، دخالت و کنترل دولت در قیمت‌ها و نرخ تورم زیاد است. شاخص آزادی پولی دربرگیرنده این دو متغیر است. برای محاسبه این شاخص با استفاده از فرمول‌هایی میانگین تورم سه سال گذشته و میزان کنترل دولت بر قیمت‌ها محاسبه می‌شود.

آزادی سرمایه‌گذاری^۴

کشوری که سرمایه‌گذاری در آن با حداقل محدودیت‌های قانونی و بوروکراتیک امکان پذیر باشد و ورود و خروج سرمایه‌ها در عرصه‌های بین‌المللی بدون محدودیت و به آسانی امکان پذیر باشد می‌تواند امتیاز مناسبی برای این شاخص به خود اختصاص دهد. امتیاز ایران در این شاخص عددی معادل با صفر است. یکی از نکاتی که در این مورد در گزارش مربوطه ذکر شده اختیار تام مجلس ایران حتی در ملغی نمودن سرمایه‌گذاری‌های محقق شده خارجی است. در زمینه بانکداری، ارتباطات، حمل و نقل و امنیت مرزی، سرمایه‌گذاری خارجی محدود و در زمینه‌های دفاع و نفت و گاز ممنوع شده است. عدم اجازه سرمایه‌گذاری خارجی برای خرید زمین و محدودیت‌های متعددی که کسب مجوز برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد می‌نماید، عوامل موثری است که امتیاز ایران در این شاخص را تا حد عدد صفر پایین آورده است.

آزادی تامین مالی^۵

مالکیت و کنترل دولتی در بخش بانکداری و بیمه و میزان آزادی موسسات مالی در تعیین نحوه تامین اعتبار از عوامل موثر بر تعیین امتیاز برای این شاخص است. امتیاز ایران برای این شاخص عدد ۱۰ از ۱۰۰ است. در گزارش مربوط به این شاخص به کنترل‌ها و دخالت‌های دولت حتی در مدیریت بانک‌های خصوصی برای تعیین نرخ سود اشاره شده و دخالت‌های دولت در این بخش را از عوامل کاهش این امتیاز دانسته است.

¹-Fiscal freedom

²-Government Expenditure

³-Monetary Freedom

⁴-Investment Freedom

⁵-Financial Freedom

حقوق مالکیت^۱

حمایت از حق مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی دامنه وسیعی دارد قوانین کمی از مالکیت های فکری حمایت می کنند. قانون کپی رایت و علی الخصوص استفاده وسیع و رایگان از نرم افزارها، نقض مالکیت های طراحی های صنعتی و نشان های تجاری و حق مولف از عوامل مرتبط با کاهش امتیاز ایران در شاخص است.

آزادی از فساد مالی^۲

شواهد نشان میدهد که کشورهای غیردموکراتیک بیشتر در معرض فساد قرار دارند، چراکه در آن دولتها طوری سازماندهی شدهاند که کنترل و بالانس کمتری برای قدرت وجود دارد؛ اگرچه در داخل سیستم دموکراتیک نیز زمینهای گستردهای برای فساد وجود دارد اما فساد اغلب در ارتباط با قدرت زیاد شاخه اجرایی است

آزادی نیروی کار^۳

برای محاسبه این شاخص از متغیرهایی همچون نسبت حداقل دستمزد به میانگین ارزش افزوده هر کارگر، میزان نامناسب بودن ساعات کار، میزان سختی اخراج کارگر اضافی و وجوه پرداختی بابت انفصال از خدمت استفاده می شود مواردی که باعث کاهش این امتیاز در ایران برشمرده شده است: قواعد سختی در مورد استخدام وجود دارد که امکان استخدام و رشد را کاهش می دهد. هزینه های دیگر استخدام به جز دستمزد، بسیار بالاست. اخراج یک کارمند یا کارگر باید با تایید شورای اسلامی کار انجام بگیرد. سخت بودن تعدیل نیروی کار باعث می شود خطر ورشکستگی کارخانه هایی که در حال رشد هستند، بالا برود و قواعد مربوط به ساعت کار بسیار سخت و محکم هستند. در کشور عربستان سعودی نمره این شاخص بیش از ۷۴ است. قواعد استخدام در این کشور به شدت انعطاف پذیر هستند. هزینه های استخدام بسیار پایین است و اخراج کارمند و کارگر اصلا مشکل نیست و قواعد مربوط به ساعت کار بسیار انعطاف پذیر است (صمیمی-آملی، ۱۳۸۸).

وقفه مالیاتی

طبقه بندی وقفه های مالیاتی

به منظور دستیابی به نتایج بهتر از بررسی وقفه های مالیاتی پیش از هر چیز می بایست به تفکیک علل ایجاد کننده این نوع وقفه ها پرداخت. تانزی وقفه های مالیاتی یا تأخیر در جمع آوری مالیات ها را به عنوان تأخیر بین زمان تحقق درآمد مشمول مالیات و وصول مالیات تعریف می کند. وی بر اساس قانون تأخیر در پرداخت مالیات را به دو بخش قانونی و غیرقانونی تقسیم می کند. شایان ذکر است که شاخص مهم در این طبقه به این معنا که اگر به وقفه ای جریمه تعلق گیرد وقفه غیر قانونی است و اگر جریمه تعلق نگیرد وقفه قانونی می باشد.

وقفه های قانونی مالیات

منظور از وقفه های قانونی مالیاتی فاصله بین زمان تحقق درآمد مشمول مالیات با موعد مقرر قانونی پرداخت مالیات است. در واقع مؤدیان مالیاتی در این فاصله زمانی مجاز به پرداخت مالیات بوده و هیچ گونه جریمه ای مشمول آنها نمی گردد. بنابراین قوانین مالیاتی می بایست به گونه ای تنظیم شوند که پرداخت های مالیات در سریع ترین زمان ممکن تحقق یابند. مهلت قانونی پرداخت مالیات طبق مواد قانون مالیات (۲۲۶) و (۱۵۶)، (۱۰۰) قانون مالیات های مستقیم چنانچه مؤدی نسبت به برگ تشخیص صادره از سوی اداره کل امور مالیاتی معترض نباشد به این صورت است:

ماده (۱۰۰): مودیان این فصل مکلفند اظهارنامه مالیاتی مربوط به فعالیت های شغلی خود را در یک سال مالیاتی برای هر واحد شغلی یا برای هر محل جداگانه طبق نمونه ای که به وسیله سازمان امور مالیاتی کشور تهیه خواهد شد تنظیم و تا آخر تیرماه سال بعد به اداره امور مالیاتی محل شغل خود تسلیم و مالیات متعلق را به نرخ مذکور در ماده (۱۳۱) پرداخت نمایند. ماده (۱۵۶): اداره امور مالیاتی مکلف است اظهارنامه مؤدیان مالیات بر درآمد در خصوص درآمد هر منبع را که در موعد مقرر تسلیم شده است حداکثر تا یک سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر برای تسلیم اظهارنامه رسیدگی نماید، در صورتی که ظرف

¹-Property Rights

²-Freedom from Corruption

³-Labor Freedom

مدت مذکور برگ تشخیص درآمد صادر نماید یا تا ۳ ماه پس از انقضای یک سال فوق برگ تشخیص درآمد مذکور را به مؤدی ابلاغ نکند اظهارنامه مؤدی قطعی تلقی می شود.

تبصره ماده (۲۲۶): به مودیان مالیاتی اجازه داده می شود در صورتی که در اظهارنامه یا ترازنامه یا حساب سود و زیان تسلیمی از نظر محاسبه اشتباهی شده باشد با ارائه مدارک لازم ظرف یک ماه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه نسبت به رفع اشتباه اقدام و اظهارنامه یا ترازنامه یا حساب سود و زیان اصلاحی را حسب مورد تسلیم نماید و در هر حال تاریخ تسلیم اظهارنامه مؤدی تاریخ تسلیم اظهارنامه نخست می باشد، به عبارت دیگر در مالیات بر مشاغل وقفه قانونی برای یک مؤدی چنانچه مالیات قطعی شده خود را به موقع پرداخت نماید ۱۹ ماه محاسبه شده است.

وقفه های غیرقانونی مالیات

اگر به تأخیر در پرداخت مالیات جریمه تعلق گیرد آن را وقفه غیر قانونی گویند. این بخش از تأخیر در وصول به موقع درآمد های مالیاتی مربوط به دو انگیزه تلاش مؤدیان مالیاتی در جهت گریز مالیاتی و به تعویق انداختن پرداخت بدهی های مالیاتی و استفاده از منافع حاصل از این تأخیر به ویژه در شرایط تورمی است. از لحاظ اقتصادی تورم در جهت منافع بدهکاران است و هر چه میزان تورم و مدت به تأخیر افتادن پرداخت بدهی ها بیشتر باشد میزان این انتفاع بیشتر است. عوامل بسیاری در ایجاد این وقفه ها مؤثر بوده که مهم ترین آنها عبارتند از:

- ناکارآمدی سازمان امور مالیاتی در وصول جریمه های ناشی از تأخیر پرداخت مالیات ها که انگیزه مؤدیان را در ایجاد وقفه تشویق می کند.

- ناصحیح بودن قوانین مالیاتی یا عدم وجود قانون مالیاتی جامع که دارای ضعف ها و معافیت های مالیاتی فراوان بوده بنابراین زمینه را برای فرار قانونی مؤدیان سودجوی مالیاتی فراهم می نماید.

- عدم وجود فرهنگ مالیاتی که از عدم اطمینان مردم نسبت به استفاده بهینه و توزیع عادلانه این درآمدها در جامعه نشأت می گیرد.

- وجود تورم بالا که منجر به افزایش انگیزه جهت به تعویق انداختن تعهدات مؤدیان می شود.

- عدم وجود بانک اطلاعاتی جامع مالیاتی که موجب می گردد اطلاعات به روز از مؤدیان مالیاتی در دست نباشد که این موضوع خود موجب وقفه در وصول مالیات می باشد.

- نداشتن کنترل لازم مدیران مالیاتی نسبت به کارکنان خود که از عدم تعهد و عدم مسئولیت پذیری آنها ناشی می شود.

وقفه های مالیاتی از فرمول زیر محاسبه میشود:

$$RTAX = \frac{NTAX}{(1+p)^n}$$

که در آن $RTAX$ = درآمدهای حقیقی (GDP)، $NTAX$ = درآمد های اسمی مالیاتی، p = نرخ تورم ماهانه و n = وقفه های مالیاتی است. (امین رشتی - ارشد، ۱۳۹۲).

انواع پیامدهای منفی وجود وقفه در جمع آوری مالیات ها

۱- کاهش ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی

واریز سریع و به موقع درآمد های مالیاتی به خزانه دولت و تخصیص سریع تر اعتبارات برای انجام هزینه های بودجه دولت به کاهش بار مالی هزینه های دولت منجر خواهد شد. این استدلال با توجه به این واقعیت استحکام می یابد که هزینه های بخش دولتی نیز از تورم در امان نیستند گرچه ممکن است به ظاهر فشار تورم بر دوش دولت به اندازه این فشار بر بخش خصوصی سنگینی نکند. در هر حال تاجایی که تأخیر در انجام خرید کالاها و خدمات ناشی از تأخیر در دریافت های بودجه است، این امر در ارتباط با اثر منفی تأخیر در تأدیه بدهی های مالیاتی قابل توجه است. برخی مشکلات بودجه ای از جمله مزاد عملکرد هزینه ها نسبت به مبالغ مصوب بودجه و نیز عدم تحقق کامل فیزیکی پروژه ها، طرح ها و فعالیت های

دستگاه های دولتی نسبت به میزان مصوب به دلیل تأخیر در تخصیص به موقع اعتبارات یا به دلیل افزایش قیمت کالاها و خدمات طی دوره تأخیر می تواند از مظاهر بروز آثار منفی وقفه های مالیاتی محسوب شود. به طور کلی وقفه های مالیاتی از طریق کاهش ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی عملاً به کاهش درآمد های دولت در هر دوره منجر می شوند.

۲- تبعیض میان مودیان مالیاتی

مجموع وقفه های مالیاتی برابند تأخیر در پرداخت مالیات بخش های مختلف مالیاتی است. در این میان برخی بخش های مالیاتی همچون مالیات حقوق (به ویژه مالیات کارکنان دولت) و مالیات نقل و انتقال و سرقفلی تقریباً فاقد تأخیرند در حالی که در برخی دیگر همچون مالیات بر مشاغل و مالیات بر شرکت ها، مالیات مستغلات علاوه بر وقفه های قانونی با تعویق در رسیدگی ها، تشخیص و نیز تأخیر در پرداخت مواجهند.

۳- کاهش انگیزه پرداخت مالیات

اصولاً حتی در بهترین شرایط و بالاترین سطح مشارکت مردم در پرداخت مالیات در کشورها همواره انگیزه برای عدم پرداخت مالیات وجود دارد. هرچند این انگیزه می تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرد، به هر حال کندی سرعت وصول مالیات ها خود عامل مؤثری بر کاهش انگیزه مودیان مالیاتی در پرداخت مالیات است.

۴- فشار مالی و روانی ناشی از عدم تخصیص بدهی مالیاتی از درآمدهای هر دوره

وقفه های مالیاتی منجر به عدم رعایت اصل کسر هزینه های هر دوره از درآمد های همان دوره می شود. از سوی دیگر هر چه دوره های پرداخت مالیات کوچکتر باشد امکان پرداخت مالیات برای مودیان مالیاتی آسان تر خواهد بود. انباشت تعهد مالیاتی حتی برای یک سال مالی هنگام پرداخت مالیات علاوه بر فشار مالی فشار روانی قابل توجهی را بر مودیان مالیاتی وارد می آورد در حالی که پرداخت این بدهی در دوره های کوچکتر منجر به حذف این فشار توأم مالی و روانی می شود. این فشار هنگام افزایش دوران تا است خیر به چند سال به مراتب شدیدتر است.

همچنین وجود وقفه های مالیاتی طولانی منجر به تغییر نتایج محاسبات کسب مالیاتی می شود. بسته به اینکه درآمد مالیاتی به قیمت جاری یا قیمت زمانی که این مالیات ها می بایست وصول شوند محاسبه گردد (امین رشتی-ارشد، ۱۳۹۲).

پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی

شریفی رنانی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی اثرات کوتاه مدت و بلندمدت آزادسازی تجاری بر شاخص های کلان اقتصادی در ایران با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری و طی دوره های زمانی ۱۳۸۷-۱۳۶۸ و ۱۳۸۷-۱۳۷۴ می پردازند. نتایج تخمین حاکی از آن است که برقراری سیاست آزادسازی در بلندمدت در قالب الگوی محاسبه شده توسط محقق، منجر به افزایش حجم تولید و بهره وری و نیز کاهش تورم می شود ولی بر تراز تجاری تأثیری ندارد. همچنین اثر منفی آزادسازی بر حجم پول در کشور نیز معنادار نمی باشد.

جعفری صمیمی و املی دیوا (۱۳۸۸) به بررسی رابطه اقتصادی بین آزادسازی و کارایی دولت در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا طی سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸ پرداختند. به این منظور از اطلاعات شاخص آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج و از شاخص کارایی دولت بانک جهانی استفاده شده است. همچنین سعی شده است تا بر پایه مطالعات نظری و تجربی انجام گرفته و در قالب یک الگوی اقتصادسنجی، با استفاده از داده مقطعی های ترکیبی سری زمانی رابطه بین آزادسازی اقتصادی و کارایی دولت در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا مورد بررسی قرار گیرد. نتایج حاصل از تخمین نشان می دهد که رابطه مثبت و معنی داری بین آزادسازی اقتصادی و کارایی دولت در این کشورها وجود دارد. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، تفاوت معناداری بین میانگین شاخص آزادسازی اقتصادی و کارایی دولت در ایران و متوسط کشورهای عضو MENA وجود ندارد.

اکبریان مهر (۱۳۸۶) در تحقیق خود به بررسی ارتباط بین شاخص های ثبات اقتصادی و کارایی دولت با شاخص رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پرداخته است. در این تحقیق از داده های مقطعی در دوره (۲۰۰۶-۱۹۹۶)

و از جدید ترین اطلاعات منتشر شده استفاده شده است. نتایج تحقیق حاصل بیانگر این موضوع است که وضعیت ثبات سیاسی منطقه طی سال‌های مورد مطالعه بدتر و ضعیف تر شده است و همچنین کارایی دولت در کل منطقه خاور میانه و شمال آفریقا کاهش یافته است.

جعفری صمیمی و آذرمنند (۱۳۸۳) رابطه‌ی بین آزادسازی اقتصادی و شاخص‌های عمده اقتصاد کلان را طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری و تخمین الگوهای اقتصادسنجی، وجود یک رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار بین آزادسازی اقتصادی و عملکرد اقتصادی در کشورهای مورد نظر را نشان می‌دهد. کمیجانی و معمارنژاد (۱۳۸۳) در اهمیت کیفیت نیروی انسانی و تحقیق و توسعه در رشد اقتصادی ایران با استفاده از مدل‌های رشد اقتصادی درونزای فناوری رومر (۱۹۹۰)، تاثیر مثبت نیروی کار، سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی، درآمدهای حاصل از صادرات نفت، تاثیر منفی تورم و متغیر مجازی مربوط به انقلاب اسلامی را به روش الگوی خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده (ARDL) برآورد کرده‌اند.

مطالعات خارجی

ارشاد حسین و حقه (۲۰۱۶) به بررسی اثر شاخص‌های آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در دو گروه از کشورها با استفاده از روش اقتصادسنجی پانل دیتا پرداختند. گروه اول شامل ۱۸۶ کشور و طی دوزه طی دوره زمانی ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ می‌باشد و گروه دوم شامل ۵۷ کشور و برای دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۴ می‌باشند. بر اساس یافته‌های پژوهش در هر دو گروه از کشورها رابطه میان شاخص‌های آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی مثبت و معنادار می‌باشد.

ماهون (۲۰۱۴)، به بررسی رابطه آزادی اقتصادی و کارایی دولت می‌پردازد. وی بیان می‌کند برخلاف تصور که با افزایش اندازه دولت، کارایی آن کاهش و آزادی اقتصادی کاهش می‌یابد، با افزایش اندازه دولت و افزایش کارایی منجر به افزایش آزادی اقتصادی از طریق مالیات‌ها می‌گردد.

کمپانن و همکاران (۲۰۱۴)، به بررسی رابطه آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی در دهک‌های مختلف درآمدی در ایالات متحده آمریکا پرداختند. بر اساس یافته‌های آنها آزادی اقتصادی منجر به رشد اقتصادی در همه دهک‌ها می‌گردد ولی میزان افزایش آن متفاوت است.

پاتانیک و نایاک (۲۰۱۳) به بررسی رابطه میان آزادی اقتصادی و اشتغال در کشور هند پرداختند. نتایج آنها حاکی از آن است که بهبود آزادی اقتصادی منجر به ایجاد شرایط مطلوب برای اشتغال می‌گردد.

استوکر (۲۰۰۶)، رابطه میان آزادسازی اقتصادی و بازگشت سرمایه را در منتخبی از کشورهای جهان طی سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۷۰ مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج پژوهش وی حاکی از آن است افزایش سرمایه بین کشوری مستقیماً با آزادسازی اقتصادی در ارتباط است.

۳ - معرفی داده‌ها و برآورد مدل

معرفی مدل تحقیق

دوره بررسی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۶۰ و مدل مربوط به صورت زیر می‌باشد:

$$EGR_t = \alpha_0 + \alpha_1 BF_t + \alpha_2 MF_t + \alpha_3 CF_t + \alpha_4 FI_t + \alpha_5 TF_t + \alpha_6 TAL_t + U_t$$

متغیرهای مورد استفاده در مدل بالا به شرح زیر می‌باشند:

EGR رشد اقتصادی، BF آزادی کسب و کار، MF آزادی پولی، CF آزادی تجارت، FI آزادی سرمایه‌گذاری، TF آزادی

مالیاتی، TAL وقفه‌های مالیاتی، U_t جملات اختلال

¹-Ershad Hussain & Haque

²-Mahon

³-Compton, Giedeman & Hoover

⁴-Pattanaik & Nayak

در این پژوهش از روش تحلیلی-عَلّی استفاده می‌شود. برای جمع آوری آمار و اطلاعات لازم از روش کتابخانه‌ای یا بانک اطلاعاتی استفاده می‌گردد. همچنین آمارها و داده‌های مورد نیاز از سایتهای اینترنتی، بانک مرکزی جمع آوری شده است. مدل ما برگرفته شده از مدل مطالعاتی (پژویان ۱۳۹۲) و (استوکر، ۲۰۰۶) می‌باشد. هر سری زمانی را می‌توان محصول تولید یک فرآیند استوکاستیک یا تصادفی دانست. اما بطور کلی، یک فرآیند تصادفی هنگامی پایا نامیده می‌شود که میانگین و واریانس آن در طی زمان ثابت باشد و مقدار کوواریانس آن بین دو دوره زمانی، تنها به فاصله یا وقفه بین دو دوره بستگی داشته و ارتباطی به زمان واقعی محاسبه کوواریانس نداشته باشد. مدل سازی اقتصادسنجی مبتنی بر فروض پایایی متغیرهای سری زمانی است، بررسی‌های انجام شده در این زمینه، نشان می‌دهد که در مورد بسیاری از سری‌های زمانی کلان اقتصادی، این فرض نادرست بوده و اغلب این متغرها ناپایا هستند. بنابراین ضروری است. برای اجتناب از مشکل رگرسیون کاذب در تحلیل رگرسیون، نسبت به پایا بودن آنها اطمینان حاصل کرد. به منظور بررسی پایایی هر متغیر با استفاده از آزمون دیکی-فولر، فرضیه $H_0: \rho = 1$ در مقابل $H_1: \rho < 0$ ، آزمون می‌شود. اگر قدر مطلق آماره ADF محاسباتی از مقدار بحرانی جدول شد، فرضیه صفر رد شده و متغیر پایا می‌باشد. در غیر این صورت متغیر در سطح ناپایا بوده و باید آزمون پایایی روی تفاضل مرتبه اول آن صورت گیرد. جهت تعیین وقفه از معیار شوارتز بیزین که کم هزینه ترین وقفه را به ما می‌دهد، استفاده خواهد شد.

نتایج پایایی متغیرها

نتایج آزمون دیکی-فولر، برای متغیرهای مدل در دو حالت سطح بدون عرض از مبدا و بار دیگر با فرض از عرض مبدا و روند صورت گرفت و ملاحظه شد که کلیه متغیرهای مورد نظر در سطح ۱ درصد، چه بدون عرض از مبدا و چه با عرض از مبدا و روند ناپایا می‌باشند. یعنی قدر مطلق آماره محاسباتی از قدر مطلق آماره جدول در سطح درصد کوچکتر می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر یعنی وجود ریشه واحد رد نمی‌شود.

در ادامه آزمون پایایی متغیرها را برای تفاضل مرتبه اول آنها انجام می‌دهیم زیرا همانطور که گفته شد متغیرهای مورد بحث در حالت بدون عرض از مبدا و با عرض از مبدا و روند در سطح ایستا نشدند. نتایج آزمون پایایی متغیرها برای تفاضل مرتبه اول آنها در جدول (۱) آمده است. بر اساس نتایج این جدول تمام متغیرهای تحقیق، رشد اقتصادی، آزادی کسب و کار، آزادی پولی، آزادی تجارت، آزادی مالیاتی، آزادی سرمایه‌گذاری، وقفه‌های مالیاتی در سطح ۱ درصد ایستا و پایا هستند.

جدول شماره (۱): نتایج آزمون پایایی برای تفاضل مرتبه اول متغیرها

نتیجه	با عرض از مبدا و با روند			بدون عرض از مبدا و بدون روند			متغیر
	وقفه	مقدار بحرانی	آماره	وقفه	مقدار بحرانی	آماره	
پایا	1	-4.2845	-5.9601	1	-2.6416	-6.1856	EGR
پایا	1	-4.2733	-5.1603	1	-2.6392	-5.2959	BF
پایا	1	-4.2733	-4.9255	1	-2.6392	-5.0588	MF
پایا	1	-4.2967	-5.0562	1	-2.6392	-7.0680	CF
پایا	1	-4.2733	-5.5068	1	-2.6392	-5.6001	TF
پایا	1	-4.2733	-7.6035	1	-2.6392	-7.8575	FI
پایا	1	-4.2733	-8.0835	1	-2.6392	-6.3356	TAL

منبع: یافته‌های تحقیق

تعیین طول وقفه بهینه

اولین مرحله بعد از تخمین ایستایی متغیرها تعیین طول وقفه است. در اینجا برای تعیین طول وقفه از معیارهای شوارتز بنزین (SC)، آکائیک (AIC)، خطای نهایی پیش بینی (FPE)^۱، و حنان کوئین (HQ) و نسبت درست‌نمایی (LR) استفاده شده است. در بین شاخص‌های فوق معیار شوارتز بنزین (SC) در تعداد وقفه بهینه صرفه جویی می‌کند، و تعداد درجات آزادی کمتری را از دست می‌دهد. بنابراین در این پژوهش برای انتخاب تعداد وقفه بهینه از این معیار استفاده می‌شود، نتایج این آزمون در جدول (۳-۴) آورده شده است با توجه به آماره شوارتز که در جدول نشان داده شده است وقفه بهینه برای مدل وقفه یک می‌باشد.

جدول شماره (۲): تعیین طول وقفه بهینه

VAR Lag Order Selection Criteria

Endogenous variables: EGR BF MF CF TF FI TAL

Exogenous variables: C

Date: 02/23/17 Time: 01:24

Sample: 1360 1393

Included observations: 31

Lag	LogL	LR	FPE	AIC	SC	HQ
0	-649.0626	NA	5.69e+09	42.32662	42.65042	42.43217
1	-520.8920	190.1887	37403252	37.21884	39.80927*	38.06325
2	-452.5960	70.49907*	18383667	35.97394	40.83099	37.55722
3	-373.6077	45.86417	17022680*	34.03921*	41.16289	36.36135*

* indicates lag order selected by the criterion

LR: sequential modified LR test statistic (each test at 5% level)

FPE: Final prediction error

AIC: Akaike information criterion

SC: Schwarz information criterion

HQ: Hannan-Quinn information criterion

¹-Final Prediction error

²-Like lihood ratio

آزمون همجمعی جوهانسون-جوسیلیوس

آزمون‌های ریشه واحد انجام شده بر روی متغیرهای فوق این مسأله را تایید می‌کنند که تمامی آنها انباشته از مرتبه یک هستند. بدین ترتیب با تعیین مرتبه انباشتگی متغیرها، اولین قدم در بکارگیری روش جوهانسن برداشته شده است. در روش مورد استفاده، الگوی کوتاه مدت، فاقد روند زمانی بوده و تنها دارای عرض از مبدأ می‌باشد. این عرض از مبدأ سبب خواهد شد تا روابط بلند مدت از روند برخوردار شوند. اما فرض بر این است که عرض از مبدأ روابط بلند مدت، توسط عرض از مبدأ روابط کوتاه مدت خنثی شده اند، به گونه‌ای که در نهایت تنها عرض از مبدأ برای الگوی کوتاه مدت باقی مانده است. در این روش ابتدا از آزمون حداکثر مقادیر ویژه و آزمون اثر، وجود همجمعی و رابطه یا روابط تعادلی بین متغیرهای الگو را مشخص می‌کنیم. در آزمون حداکثر مقادیر ویژه وجود ۲ بردار همجمعی را در برابر فرضیه مقابل وجود r^{+1} بردار همجمعی مورد آزمون قرار می‌دهیم و وجود ۲ بردار همجمعی وقتی پذیرفته می‌شود که کمیت آماره آزمون از مقدار بحرانی آن کوچکتر باشد.

جدول شماره (۳): تعیین تعداد بردار همگرایی بر اساس آزمون اثر

احتمال	مقدار بحرانی در سطح 0.05	مقدار آماره آزمون	فرضیه مقابل	فرضیه صفر
		اثر (λ_{trace})		
0.0000	150.5585	207.3512	r=1	r=0
0.0021	117.7082	136.0780	r=2	r=1
0.0346	88.80380	90.96907	r=3	r=2
0.1342	63.87610	58.32493	r=4	r=3
0.2599	42.91525	34.64722	r=5	r=4
0.6065	25.87211	14.61637	r=6	r=5
0.5021	12.51798	5.679042	r=7	r=6

در این آزمون مادامی که کمیت آماره آزمون از مقدار بحرانی آن کوچکتر باشد، فرضیه صفر (وجود ۲ بردار همجمعی) در برابر فرضیه مقابل (بیش از ۲ بردار همجمعی) پذیرفته خواهد شد، در این آزمون سه بردار هم انباشتگی بین متغیرهای مدل تایید شده است.

جدول شماره (۴): تعیین تعداد بردار همگرایی بر اساس آزمون حداکثر ویژه

احتمال	مقدار بحرانی در سطح 0.05	مقدار آماره آزمون	فرضیه مقابل	فرضیه صفر
		حداکثر ویژه (λ_{Max})		
0.0001	50.59985	71.27316	r=1	r=0
0.0428	44.49720	45.10898	r=2	r=1
0.1948	38.33101	32.64415	r=3	r=2
0.3703	32.11832	23.67770	r=4	r=3
0.2413	25.82321	20.03085	r=5	r=4
0.7309	19.38704	8.937330	r=6	r=5
0.5021	12.51798	5.679042	r=7	r=6

بر اساس نتایج مربوط به آماره آزمون حداکثر مقادیر ویژه نیز دو بردار هم انباشتگی بین متغیرهای مدل تایید شده است. در ادامه رابطه بلند مدت بین متغیرهای مدل تخمین زده شده و بردار نرمال شده نسبت به متغیرهای درونزای اول انتخاب شده است. این بردار بایستی از نظر علامت ضرایب متناسب با تئوری‌های اقتصادی بوده و همچنین ضرایب متغیرهای توضیحی به

لحاظ آماری معنی دار باشد؛ همانطور که ملاحظه می‌شود ضرایب تمامی متغیرهای مدل، براساس مبانی نظری مورد انتظار بوده و از نظر آماری نیز معنی دار است.

$$EGR=1.586BF-6.604MF+1.556CF+1.277TF+1.105FI-0.234TAL$$
$$(0.3422) (.78916) (.30571) (.23529) (.31984) (13.31984)$$

با توجه به رابطه بالا متغیر آزادی مالیاتی بیشترین مقدار و برابر ۶,۶۰۴ که بیشترین حساسیت شاخص رشد اقتصادی به متغیر آزادی پولی در بلند مدت است. یک درصد افزایش در آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی مالیاتی منجر به افزایش ۱,۵۸۶ و ۱,۵۵۶ و ۱,۱۰۵ و ۱,۲۷۷ واحد در شاخص رشد اقتصادی می‌شود و یک درصد کاهش در آزادی پولی، وقفه‌های مالیاتی منجر به افزایش ۶,۶۰۴ و ۰,۲۳۴ واحد در شاخص رشد اقتصادی می‌گردد. در مرحله بعدی الگوی تصحیح خطای برداری برآورد شده که برابر با ۰,۲۶۶۳- می‌باشد که ضریب جمله تصحیح خطا معنی دار بوده و بین منفی یک و صفر می‌باشد. این عدد بیانگر این مطلب است که در هر دوره ۰,۲۶۶۳- درصد از عدد متعادل کوتاه مدت برای رسیدن به تعادل بلند مدت تعدیل می‌شود.

با توجه به نتایج تخمین یک تأثیر مثبت معنی دار بین دو متغیر آزادی کسب و کار و شاخص رشد اقتصادی وجود دارد، به طوری که هرچه آزادی کسب و کار بیشتر باشد، رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت. دلیل آن می‌تواند این باشد که هرچه محیط کسب و کار در کشورمان سالم‌تر و آزادتر باشد، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌توانند راحت‌تر و با اطمینان بیشتر به تولید کالا و خدمات رو آورند. هرچه تولید ملی افزایش یابد، باعث رشد اقتصادی در کشور می‌شود.

با توجه به نتایج تخمین، یک تأثیر منفی معنی دار بین دو متغیر آزادی پولی و شاخص رشد اقتصادی وجود دارد، به طوری که هرچه آزادی پولی بیشتر باشد، رشد اقتصادی کاهش خواهد یافت. علت آن می‌تواند این باشد که رشد نقدینگی بالا اساسی‌ترین عامل بروز تورم در کشور است. این امر بیشتر به این دلیل رخ داده است که در کشور ما کسری بودجه‌ی دولت از طریق پول کردن بدهی (نشر پول) برطرف می‌گیرد، متعاقباً پول سبب بروز تورم می‌گردد و تورم قدرت خرید درآمدهای دولت کاهش و هزینه‌های دولت افزایش پیدا می‌کند که متناوباً باعث بروز کسری بودجه می‌شود.

با توجه به نتایج تخمین، یک تأثیر مثبت معنی دار بین دو متغیر آزادی تجارت و شاخص رشد اقتصادی وجود دارد، به طوری که هرچه آزادی تجارت بیشتر باشد، رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت. دلیل آن می‌تواند این باشد که هرچه کاهش و ساده‌سازی تعرفه‌های وارداتی و همچنین حذف محدودیت‌های غیرمقداری افزایش یابد، تولید ملی و درآمد ملی افزایش می‌یابد که منجر می‌شود کسب‌های درآمدی افزایش یابد که نشان‌دهنده رشد اقتصادی است.

با توجه به نتایج تخمین، یک تأثیر مثبت معنی دار بین دو متغیر آزادی سرمایه‌گذاری و شاخص رشد اقتصادی وجود دارد، به طوری که هرچه آزادی سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت.

۴- نتیجه‌گیری

امروزه برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان در ارکان مختلف کشورها، در حال ارزیابی سریع و دقیق تصمیم‌ها و سیاست‌های خود هستند. این سرعت و دقت تا جایی اهمیت دارد که بتواند زمان لازم را برای اجرای تغییرات و تعدیل‌های احتمالی الگوها و برنامه‌ریزی‌ها فراهم آورده و از هدر رفتن منابع و فرصت‌ها جلوگیری نماید. بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش سطح رفاه عمومی از اهداف دولت‌های مختلف جهان بوده و در رسیدن به این اهداف، جهانی شدن اقتصاد یکی از عواملی است که نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. بنابراین پی بردن به عواملی که در جهانی شدن اقتصاد در ارتباط می‌باشند حائز اهمیت است. شاخص آزادسازی اقتصادی از سال ۱۹۹۵ میلادی به صورت سالیانه به منظور بررسی عوامل مؤثر بر آزادسازی اقتصادی برای اغلب کشورهای جهان محاسبه شد. آزادسازی اقتصادی شامل مجموعه اقداماتی به منظور برداشتن کنترل‌های دولتی از بازارهای مالی، کالاها و خدمات و کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار است. عمده‌ترین اقدامات عبارتند از: برداشتن کنترل از بازارهای مالی، رهاسازی قیمت‌های تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای بازار، حذف یارانه و تعدیل قیمت‌های یارانه‌ای، گرایش به نظام ارزی شناور مستقل یا شناور نظارت شده، تغییر رسمی ارزش پول، آزاد شدن تجارت خارجی و برداشتن انواع تعرفه‌های تجاری و محدودیت‌های مقداری، استفاده از مشارکت سرمایه‌گذاران و استقراض خارجی و آزاد شدن

نرخ سپرده های بانکی. در روند نگارش این پژوهش مراحل چون انتخاب دوره زمانی مورد نظر و جمع آوری اطلاعات مربوط به متغیرها در آن دوره مورد توجه قرار گرفت و برای انجام مانایی داده ها و اطلاعات بدست آمده از نرم افزار Eviews استفاده گردید و بعد از اطمینان از پایایی متغیرها با خود نرم افزار Eviews و با انتخاب روش جوهانسون-جوسیلیوس اقدام به تخمین نتایج کردیم و با اتمام مراحل فوق در صدد جمع بندی و نتیجه گیری از نتایج بدست آمده، اقدام کردیم. با توجه به نتایج حاصل از الگوی جوهانسون-جوسیلیوس، مشاهده گردید که در حالت کلی نشان دهنده تأثیر معنی دار شاخص آزاد سازی اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران می باشد.

توصیه های سیاستی

بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه و به منظور ارائه راهکارها کاربردی و سیاستی می توان توصیه های زیر را به منظور اثرگذاری هرچه بهتر و بیشتر این مطالعه ارائه نمود.

- ۱- با توجه به معنی دار بودن تأثیر آزادی کسب و کار بر رشد اقتصادی، میتوان شرایطی را ایجاد نمود که فضای کسب و کار ساده و بدون دخالت های بی مورد دولت ایجاد شود تا سرمایه گزاران بتوانند به راحتی به فضای کسب و کار وارد شوند.
- ۲- سرمایه گذاری یکی از مهمترین ارکان اصلی رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در کشورهای در حال توسعه است، دولت میتواند با ایجاد امنیت اقتصادی برای سرمایه گزاران خارجی و داخلی شرایط را برای آنها فراهم آورد.
- ۳- آزادی تجارت یکی از راههای رسیدن به جهانی شدن اقتصاد است. نقش دولت در ایجاد شرایط برای جهانی شدن اقتصاد غیر قابل انکار است. دولت میتواند با آزاد سازی تجارت راه را برای سرمایه گزاران داخلی برای وارد شدن به بازارهای جهانی ایجاد کند.
- ۴- مالیات در ایران در سالهای اخیر به عنوان دومین منبع تأمین درآمد ملی بعد از درآمدهای نفتی است. دولت میتواند با ایجاد سیاست های مالیاتی مناسب این فضا را ایجاد کند که مثل بیشتر دولت های توسعه یافته، درآمدهای مالیاتی نقش اول در تأمین درآمدهای ملی باشد.

منابع :

1. املی دیوا، کبری ؛ جعفری صمیمی، احمد. ۱۳۸۹. تاثیر سیاستهای مالیاتی بر کارایی دولت در شرایط آزادسازی اقتصادی مطالعه موردی : کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی. پژوهشنامه مالیات. شماره هشتم. صص ۸۱-۱۰۱.
2. امین رشتی، ناریس؛ ارشد، فاطمه. ۱۳۹۲. بررسی کارایی سیستم مالیاتی در ایران با توجه به وقفه‌های مالیاتی. فصلنامه اقتصاد مالی و توسعه. دوره ۷، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۳۹-۱۵۹
3. اکبرپور، عادل؛ اسدی، مرتضی. ۱۳۹۴. اثر کارایی مخارج دولت بر روی رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه. دومین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی.
4. حیدری، حسن؛ رقیه، علی نژاد. ۱۳۹۴. بررسی تأثیر کارایی دولت و توسعه مالی بر رشد اقتصادی؛ مشاهداتی از هشت کشور بزرگ اسلامی. مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای. شماره ۲۲
5. جعفری صمیمی، احمد؛ املی دیوا، کبری. ۱۳۸۸. بررسی رابطه آزادسازی اقتصادی با دولت کارایی در کشورهای منطقه افریقا خاورمیانه و شمال. پژوهشنامه اقتصادی. سال دهم. شماره ۴
6. شریفی رنای، حسین؛ شعاعی، فروغ؛ میرفتاح، مریم؛ توکلی، محمدرضا. ۱۳۹۲. بررسی تاثیرات آزادسازی اقتصادی بر متغیرهای کلان؛ با تاکید بر آزادسازی تجاری. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۴، شماره ۱۰.
7. احمدی طباطبایی، محمدرضا؛ (۱۳۸۷) اخلاق و سیاست: رویکردی اسلامی و تطبیقی، تهران: دانشگاه امام صادق، چاپ دوم
8. چشمی، اکبر (۱۳۸۵)، اندازه دولت در اقتصاد ایران، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲۹
9. بابکی، روح اله (۱۳۹۳)، نقش میط کسب و کار و آزادی اقتصادی در رشد اقتصادی، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۸
10. صمیمی-فرهنگ-رستم زاده-محمد زاده (۱۳۸۸)، تأثیر توسعه مالی و آزاد سازی تجاری بر رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال نهم، شماره ۴
11. پژویان، جمشید (۱۳۷۱)، کارائی دولت و خصوصی سازی، فصلنامه مطالعات مدیریت، سال دوم، شماره ۸
12. عباسی-منصوری، شجریزاده-علی (۱۳۸۲)، ارزیابی اقتصاد ایران با رویکرد شاخص آزادی اقتصادی هریتیج، موسسه تحقیقات تدبیر امید، شماره ۱۰
13. یوسفی-محمد، مبارک-اصغر، (۱۳۸۷)، بررسی مقایسه‌ای تأثیر آزاد سازی مالی و تجاری بر رشد اقتصادی و توسعه مالی ایران، صنایع اقتصاد مقداری، دوره ۵، شماره ۳
14. مهدی پور-فاطمه (۱۳۸۲)، آزاد سازی حساب سرمایه، هزینه سرمایه و رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۹
15. ابراهیمی-سعید، معسی نژاد-شیرین (۱۳۸۵)، اثر آزاد سازی تجاری بر عملکرد بخش صنعت در کشورهای در حال توسعه، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره ۳، شماره ۲
16. محمدی-محمد، پرخیده-احمد (۱۳۸۶)، بررسی تأثیر کارایی و اثر بخشی دولت بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی ایران)، اقتصاد و جامعه، سال سوم، شماره ۱۲
17. ثانی-باقر (۱۳۹۲)، برآورد وقفه‌های درآمد مالیاتی مشاغل در استان تهران، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال اول، شماره ۴،
18. ابریشمی-حمید، مهر آرا-محسن، محسنی-رضا (۱۳۸۵)، تأثیر آزاد سازی تجاری بر رشد صادرات و واردات، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰

1. Choudhry, N. N. (1991), "Collection Lags, Fiscal Revenue and Inflationary Financing", IMF Working Paper, No. 41.

2. Wayper, C, Political Thought, London, English University Press, 1973

3. Vincent, A, Theories of the state, Oxford, Busil Blackwell, 1987.

4. Aristotle, Politics, 1988, Translated by C. D. C. Reeve, Cambridge, Hackett Publishing Company, P. 4.

5. Mankind is an animal whose highest form of social organization is the city - state. Ibid, p.413.

6. Mc Celland, J. S, History of Western Political Thought, p. 181.

7. Rosenthal, Erwin. I. J. Political thought in Medieval Islam, Cambridge, Greenwood Press, 1985: pp 84-109.

8. Simmons, A. J. Moral Principles and Political Obligations, Princeton University Press, 1979, p. 57.

9. Dyson, K, H, F. The State Tradition in Western Europe, Oxford, Martin, 1980, p. 144..

10. Hegel, G. W. F. The Philosophy of Right, Translated by T. M. Knox. Oxford University Press, 1967, p. 163.

11. Marx, Karl, Capital, Translated by David Mcllellan, Oxford, Oxford University Press 1995. pp. 115-183

12. Barker, E. The Discredited state, Political Quarterly, No.5. 1915.
13. Truman, D. (1951), The Governmental Processes, New York: Alfred A. Knopf. p 10.
14. Jean-Jacques Rousseau, The Social Contract, Translated by M. Cranston, Penguin Books, 1968, p. 72.
15. De-Haan Jakob & Strum Jan-Egbert (2000), On the relationship between economic freedom and economic growth, Volume 16, Issue 2, p.215-241.